

بررسی تطبیقی تقوا در نهج البلاغه نسبت به آیه ۱۷۷ از سوره بقره

طاهره غلامی^۱

چکیده

تقوا، سرآمد فضایل اخلاقی، بالاترین کرامت، محکم‌ترین عزت در آیات قرآن و نهج‌البلاغه است. واژه تقوا در نهج‌البلاغه پس از قرآن ازجمله واژه‌های کلیدی است که می‌تواند نقشی تعیین‌کننده‌ای در سازندگی انسان داشته باشد. تقوا داشتن کلید تمام درهای نیکبختی آدمی است؛ زیرا انسان را در رسیدن به هدفش هدایت می‌کند و زمینه کسب کمالات و موجب نجات انسان است از هر آنچه مایه هلاکت اوست و بهترین ذخیره برای روز قیامت است. رعایت کردن تقوا ما را به سعادت و خوشبختی در دنیا و آخرت میرساند. اگر تقوا نباشد انسانیت مفهومی ندارد و همچنین ادمیت ره سویی ندارد پس متقی باشید که به هدف والایی دست پیدا کنید. این پژوهش به روش توصیفی درصد برآمد که واژه تقوا را در آیه ۱۷۷ سوره بقره و نهج‌البلاغه مورد بررسی قرار دهد. معلوم شد که صفات متقین ازجمله انفاق، ایثار و ایمان به خدا در هردو مشترک است و آثاری ازجمله: تشخیص حق از باطل، قبول اعمال نزد خداوند، بهترین توشه برای آخرت، نجات از سختی‌ها، آمرزش گناهان و رستگاری در هردو مورد تأیید قرار گرفته است و در آخر به مراتب تقوا و پاداش تقوا اشاره شده است.

کلیدواژه‌ها: تقوا، انفاق، ایثار، توشه برای آخرت، ایمان به خدا

۱. طلبه سطح دو مدرسه علمیه فاطمه معصومه رهنان.

مقدمه

بی‌تردید؛ تقوا اصطلاحی است که در قرآن کریم و کتب روایی اهل بیت مورد توجه قرار گرفته است. چنانکه در قرآن به شکل مصدر مجرد ۱۷ بار آمده و در ساختار صرفی آن در مجموع ۲۳۰ واژه را به خود اختصاص داده است. قرآن کریم تقوا را بهترین توشه و بهترین لباس حفظ‌کننده آدمی می‌داند. همچنین، حضرت علی علیه‌السلام در سخنان، خطبه‌ها و نامه‌ها در نهج‌البلاغه پارها از تقوا و خصوصیات متقین صحبت به میان آورده‌اند از جمله خطبه مشهور حتمّ که مشهورترین خطبه در رابطه با مسئله تقواست. درواقع در دوپایه و ستون اصلی راه سازندگی و راهنمای سعادت دنیا و آخرت که در روایت به خواهر و برادر تعبیر شده‌اند مسئله تقوا را به بهترین و کامل‌ترین شکل بیان نموده‌اند؛ اما در حال حاضر در پی بررسی ترجمه و تفسیر تقوا در نهج‌البلاغه و قرآن نیستیم بلکه در پی آن هستیم که صفات متقین را از نهج‌البلاغه نسبت به آیه ۱۷۷ از سوره مبارکه بقره مقایسه کنیم؛ از این‌رو تحقیق حاضر عهده‌دار پاسخگویی به این سؤال است که بررسی تطبیقی تقوا در نهج‌البلاغه نسبت به آیه ۱۷۷ سوره بقره چیست؟

تاکنون بر اساس تحقیقات انجام‌شده ذیل همین موضوع، محققین به یافته‌هایی در مورد معانی تقوا، راه‌های رسیدن به تقوا صفات متقین دست‌یافته‌اند و خلأ تطبیق صفات متقین در نهج‌البلاغه و تطبیق آن با آیه ۱۷۷ از سوره مبارک بقره، کاملاً محسوس هست، از این‌رو مقاله حاضر را بر این داشته است که این مورد بررسی قرار دهد.

از معنای تقوا مفهوم اخلاق و عبادت به دست می‌آید؛ که جایگاه ویژه و مهمی در زندگی انسان دارد. همان‌طور که در قرآن روایات مورد تأکید و سفارش قرار گرفته است. خداوند در قرآن اشاره کرده که ملاک ارزش‌گذاری انسان‌ها را در دنیا و آخرت تقوا مشخص می‌کند. این معرفت باعث می‌شود که زمینه را برای عملی کردن تقوا در انسان، رشد و بهره بردن از آثار تقوا در زندگی

فردی و اجتماعی محسوب شود. پس می‌توان گفت که معنانشناسی تقوا و کشف حقیقت آن در قرآن و نهج‌البلاغه از اهمیت خاصی برخوردار است.

یکی از اموری که در اسلام از ضرورت فوق‌العاده‌ای برخوردار است که اساس تمام کمالات و ترقیات روحی و معنوی انسان تقواست.

پس از شناخت گوهر والای وجود، مسئله مهم دیگری در آموزه‌های دینی و اسلام به آن تأکید شده است تقواست؛ زیرا انسان با شناخت بیشتر و بهتر نفس و جان خود، دیگر راضی نمی‌شود که آن هدیه بارزش خداوند را انواع رذایل آلوده سازد پس درواقع تقواپیشه می‌کند.

از دیگر ضرورت این تحقیق این است که می‌خواهیم صفات متقین را از نهج‌البلاغه واژه ۱۷۷ سوره بقره بررسی کنیم که انسان باتقوا هم در دنیا و هم در آخرت به ارتقا دست پیدا می‌کند و به مقام ملکوت و مرحله کمال می‌رسد.

تاکنون بر اساس تحقیقات انجام‌شده ذیل موضوع تقوا در قرآن و تقوا در نهج‌البلاغه محققین به یافته‌های ذیل دست‌یافته‌اند ۱- مقاله: (نقش تقوا در تقویت باورهای دینی از منظر قرآن و نهج‌البلاغه)، نویسنده وردی، حمیدرضا-ولی پور محمد، بیدختی فاطمه پائیز ۱۴۰۱ در این مقاله نویسنده از مبانی اعتقادی صحبت به عمل می‌آورد و بیان می‌کند که ناآگاهی از مبانی اعتقادی باعث مقاومت در برابر تعلیم و تربیت می‌شود و لازم می‌داند باورهای دینی و اعتقادی فرد تقویت شود برای تقویت این باورها راهکارهایی بیان می‌دارد. ۲-مقاله. (تقوا)، نویسنده آیت‌الله مرتضی مطهری ۱۳۸۹ در این مقاله بیان می‌دارد که برای رسیدن به تقوا باید از زندگی حیوانی خروج کرد برای خروج باید از اصول معینی پیروی کرد و در هوا و هوس‌های خطرناک خود را نگهداری کرد که لازم می‌دارد برخی از افعال و گفتار را ترک کند و همان رسیدن به تقوا هست در این مقاله راه‌های رسیدن به تقوا را برای انسان روشن می‌کند. ۳. کتاب (آیات قرآن در نهج‌البلاغه) نویسنده. محمدی اشتهاردی. محمد. آقای محمدی در بخشی از کتاب به نشانه‌های تقوا صحبت کرده است. ۴. پایان‌نامه. (معناشناسی شناختی تقوا در قرآن). نیلی پور. مریم در این مقاله تقوا را از نظر تاریخی موردبحث قرار داده است.

مفهوم شناسی

در ادامه به بررسی مفهوم شناسی واژه تقوا در لغت و اصطلاح پرداخته می‌شود.

مفهوم تقوا در اصطلاح و لغت

تقوا، از مصدر وقایه، در لغت به معنای «حفظ کردن و نگاه‌داشتن از بدی و گزند» است. گفته‌اند این کلمه در اصل وقوی بوده که واو آن به تاء بدل شده است. مصدر اتقاء از همین ریشه به معنای (ترسیدن و حذر کردن) است. اسم فاعل آن، تقی و متقی به معنای «صاحب تقوا»

است. همچنین گفته شده است که تقوا یعنی «مصون داشتن خویش از آنچه خوف آسیب و گزند آن وجود دارد». به سبب ملازمت میان تقوا و خوف، این واژه را خوف نیز معنا کرده‌اند.^۱

تقوا عبارت‌اند از: نفس. تحت محافظت قرار بگیرد تا به ارتکاب گناه یا خطا دچار نشود.^۲

در اصطلاح تقوا یعنی آنجا که خداوند دستور داده حاضر باشی، تو را غایب نبیند آنجا که نهی کرده، تو را مشاهده نکند.^۳

تقوا شرعاً به معنی بازداشتن خوداست از هر چیزی که ما را به آخرت برساند که این عمل حاصل پرهیز از مخالفت با اوامر و نواهی خداوندی باشد. تقوا یعنی حالتی در فرداست که به او مصونیت روحی و اخلاقی می‌دهد و باعث می‌شود وقتی در محیط گناه قرار دارد گناه نکند.

تقوا نوعی حالت قلبی و ملکه نفسانی که مایه بصیرت انسانی به طاعت و معصیت است و حصول این معنا منوط به تبعیت از اوامر و نواهی و مقاومت بر انجام آن است.^۴

حقیقت تقوا

انسان برای پیروی از اصول زندگی خود ناچار باید از یک خطمشی معینی استفاده کند. لازمه‌ی خطمشی معین داشتن و اهل مرام و عقیده بودن این که به‌سوی یک‌جهت حرکت کند، خود را نگهداری کند از هوی و هوس آنی که این‌ها با اصول منافات دارد. لازمه‌ی زندگی هر فرد که تحت عقل زندگی می‌کند و از اصول معینی پیروی می‌کند، تقوا لازم است. تقوای دینی والهی داشتن یعنی این که انسان از همه آنچه در دین خطا، گناه، پلیدی، زشتی معرفی شده، حفظ کند و مرتکب آن نشود و به در صورت تعبیر می‌شود.

۱: تقوایی که ضعف است.

۲: تقوایی که قوت است.

در نوع اول انسان از محیط گناه دوری می‌کند تا از آلودگی‌های معاصی حفظ شود مثل کسی که برای رعایت سلامتی خود را از محیط مرض و میکروب درامان می‌دارد. نوع دوم از تقوا: حالت و قوتی در روح به وجود می‌آید که به او مصونیت روحی و اخلاقی می‌دهد و در محیطی که

^۱ بنیاد دایره المعارف اسلامی، دانشنامه جهان اسلام، ج ۱، ص ۳۷۵۶

^۲ راغب اصفهانی، مفردات الفاظ قران الکریم، ج ۳، ص ۴۷۹

^۳ راغب اصفهانی، مفردات الفاظ قران الکریم، ص ۲۷۳

^۴ راغب اصفهانی، مفردات الفاظ قران الکریم، ص ۴۷۴

موجباتِ گناه و معصیت فراهم باشد، آن حالت و ملکه روحی او را حفظ می‌کند و مانع آلودگی می‌شود. در نهج‌البلاغه فوق‌العاده رویِ کلمه تقوا سفارش شده است و همه‌جا تقوا در معنای ملکه مقدّس که در روح پیدا می‌شود و به روح قدرت و نیرو می‌دهد که بتواند نفسِ اماره و سرکش را رام و مطیع می‌سازد. مثلاً در خطبه‌ی ۱۱۲ می‌فرمایند: یعنی تقوایِ خدا، دوستانِ خدا را در حمایتِ خود قرار داده و آن‌ها را از تجاوز به خُریمِ محرمات الهی نگه‌داشته است و خوفِ خدا را در ملازمِ دل‌های آن‌ها قرار داده است تا آنجا که شب‌ها آن‌ها را زنده و بیدار نگه‌داشته و روزهای آن‌ها را قرینِ تشنگی (تشنگیِ روزه) کرده است. در این جمله تقوا را حالتِ معنوی ذکر کرده که نگهبان از گناه است و ترس از خدا را به‌عنوان یکی از آثار تقوا ذکر کرده. خودِ تقوا ترس نیست، بلکه آثار تقوا موجبِ خوف از خدا در دل می‌شود؛ و درجایی امام علی علیه‌السلام می‌فرمایند: خلافاکاری و زمان را به کفِ هوس دادن مثل اسب‌های سرکش و چموشی است که لحام را پاره کرده و اختیار را تماماً گرفته و عاقبت آن‌ها را در آتش می‌افکند و مثل تقوا مثلِ مرکب‌های مطیع و رام که مهارِ آن‌ها در اختیار آن‌کسانی است که بر آن‌ها سوارند آن‌ها را وارد بهشت می‌سازد. اینجا مجدداً و با صراحت تقوا را حالتِ روحی و معنوی معرفی کرده و به مالکیت نفس و ضبط نفس تعبیر می‌کنیم می‌فرمایند: لازمه تقوا داشتن و ضبط نفس افزایشِ قدرتِ اراده و شخصیت معنوی و عقلی داشتن است. کسی که بر مرکبِ چموشِ هوا و هوس، شهوت و حرص سوار است، زمام اختیار از دست خودش گرفته‌شده و عقل بر او حاکم نیست؛ اما آن‌که تکیه‌گاهش تقواست بر مرکبِ ضبطِ نفس سوار است عینِ اختیار در دستِ خودش است و به هر طرفی که بخواهد در کمالِ سهولت حرکت می‌کند. از نظر اسلام همچنان اثبات می‌شود که تقوا حالتِ روحی است که برای روح حصار و اسلحه‌ی دفاعی دارد و تقوا یک قدرت معنوی و روحی است.^۱

صفات متقین درایه ۱۷۷ بقره و نهج‌البلاغه

در ادامه برخی از صفات متقین ذکر می‌شود.

صبر

اجر و پاداش تمام عبادات با حساب عطا می‌شود. هیچ طاعتی جز صبر اجرش بدون حساب نیست امام صادق علیه‌السلام می‌فرمایند: مؤمن وارد قبرش می‌شود نماز در طرف راست و زکات در طرف چپ اوست و کارهای خیرش بر سرش سایه می‌افکند و صبر در کنار می‌ایستد وقتی دو

^۱. شهید مطهری. ۱۰ گفتار شهید مطهری. ص ۸۷

۲: تقوای خاص: کسانی هستند که به حدّ کمال انسانی نرسیده‌اند ولی در مرتبه‌ای هستند که نه‌تنها از محرمات الهی دوری می‌کنند بلکه از شبهات و موارد مشکوک نیز پرهیز می‌کنند.

۳: تقوای خاص الخاص: کسانی که به مقام فنا راه‌یافته‌اند که در این مرتبه اهل تقوا، حلال را جزء به‌اندازه ضرورت ترک می‌کنند چه رسد به شبه و این مرتبه اعلی تقواست.^۱

تقوای اخص

تقوای اخص در مرتبه‌ای از کمال است که تنها برای برخی از انسان‌هایی که بسیار خودساخته شدنی هستند. چون در مرتبه مباهات اغلب مردم نمی‌توانند درست تشخیص بدهند و عمل کنند و اگر عملی عبادی موجب می‌شود که انسان بدان عادت کند و بر اساس عادت آن را انجام دهد. در یک مدت همین امر عذاب‌آور می‌شود، انسان گاهی به مباهات دل می‌بندد و ویرایش شیرین و جذاب می‌شود؛ بنابراین کسی که در مرتبه عالی و اخص تقواست باید آنچه محبوب دل‌ها می‌شود را کنار بگذارد و از آن دوری کند حتی اگر یک لیوان آب‌خنک باشد پس باید برای تنبیه نفس و مدیریت و مهار آن چیز دلپذیر گاهی آب گرم بخورد بعضی مواقع حتی به خوردن آب گرم بسنده نکند مثل آب‌شور قم که به آن عادت می‌کند اینجا باید دوباره یک لیوان آب‌خنک از چشمه‌های دماوند بخورد تا دوباره مزه‌ی دهانش تغییر کند برخی بزرگان و عرفان برای اینکه به مراتب عالی دست پیدا کنند نفس خود را از عادت کردن به چیزی و لذت بردن از آن بازمی‌دارند و باکارهایی که مخالف نفسشان بوده انجام می‌دادند در تقوای اخص حتی در خطورت ذهنی می‌بایست مدیریت شود یعنی همان‌طوری که در قدم‌های اول، ترک محرمات و متشابهات و مکروهات و عمل به واجبات و مستحبات در دستور کار قرار می‌گیرد در مراتب عالی خطورات ذهنی هم باید مدیریت مهار شود از آن‌هایی که وصف العیش، نصف العیش است یعنی کسی که به توصیف و بیان یک امر لذت‌بخش می‌پردازد حتی در ذهن و خیالش اگر تصورات خیالی و ذهنی داشته باشد باید آن را مدیریت کند و اگر امری تزلزل نفسانی به وجود آمد باید از آن رهایی پیدا کند.^۲

پاداش تقوا

طبق روایت از امام صادق علیه‌السلام: هر کی را که خداوند بخواه از پستی گناهان به عزت تقوا برساند، بدون ثروت، او را بی‌نیاز می‌کند و بدون اهل و عیال، او را عزیز می‌نماید و بدون همدم به او آرامش می‌دهد؛ و هر کس از خدا بترسد، خداوند همه را از او می‌ترساند و هر کس از خدا نترسد، خداوند او را از همه می‌ترساند، هر کس در دنیا تقوا داشته باشد، خداوند حکمت را در قلبش

^۱ نهج البلاغه. خطبه ۴۵-جواد املی. تسنیم تفسیر قرآن کریم. ج ۲. ص ۱۵۵

^۲ ره توشان راهیان. بوستان ولایت. ص ۱۵۵

جاری می‌کند و زبانش را گویا می‌کند و او را نسبت به ناگواری‌های و دردهای دنیا بینا می‌نماید و او را به سلامتی به خانه خوش و سالم آخرت بیرون می‌برد.^۱ امام علی علیه‌السلام در خطبه‌ای در نهج‌البلاغه می‌فرماید: بدانید که گناهان و خطاها مانند اسب‌های چموش‌اند که گناهکاران روی آن سوار شده‌اند افسارشان پاره شده است آن‌ها را به‌سوی جهنم می‌برند. بدانید که پرهیزگار از گناه مانند شتر رام هست که پرهیزکاران روی آن سوارشدن و ادا کردن در دست آن‌هاست آن‌ها را به‌سوی بهشت می‌برند. همچنین پیامبر فرمودند: ای علی! اسلام برهنه است و لباس آن حیاست و زینش پاک‌دامنی و مردانگی‌اش کار نیک و اساسش پرهیزکاری است.^۲

نتیجه‌گیری

در پی بررسی‌هایی که انجام شد دست‌یافتیم که تقوا در نهج‌البلاغه و قرآن مصادیق مشترکی دارد که همان محافظتِ نفس و مصونیتِ روحی و اخلاقی در مواجهه با گناه و این خصلت نسبی است و هرکس مقداری از آن را دارد. در پی این تحقیق، صفاتِ متقین با توجه به نهج‌البلاغه و آیه ۱۷۷ از سوره بقره به این شرح هست. ۱- صبر که یک صفتِ نفسانی بازدارنده است و همان تحملِ سختی‌ها و دشواری‌ها سه نوع قسم دارد:

- ۱- صبر بر طاعت: در اطاعت از خداوند صبوری لازم است. مثلاً صبر در گرما موقع روزه‌داری
- ۲- صبر بر معصیت: که همان صبر در برابر شهوات و غریزه جنسی است که عفت نام دارد.
- ۳- صبر در برابر معصیت: وارد آمده ک انسان در این مرحله به یقین رسیده، چون یقین دارد به مقدرات الهی و راضی به مصیبت وارد شده است.

انفاق همان بخشش از علم یا مال و ثروت از خود به دیگران است. ۱-۲: به فقیر و مسکین: فقیر همان که درآمد دارد ولی نمی‌تواند او را سرپا نگه دارد. مسکین: بدتر از فقیر است ۲-۲: جهاد در راه

خدا: خداوند در آیات قرآن جهاد در راه خدا را به جهادِ مال تعبیر دانسته ۲-۳: درخواست‌کنندگان و سائلان: که پرداختِ زکات به آن‌ها (طبق سوره والذاریات ۱۵ تا ۱۹) حق بر عهده‌ی افرادِ دارا دانسته ۲۰-۴: والدین: از نظر قرآن انفاق مالی نسبت به والدینِ فقیر جزء واجبات است یعنی واجب النفقه هستند؛ و کمک به آن‌ها اولویت دارد و ضروری است. آثار برکات

^۱. محمد بن حر عاملی. جهاد با نفس. ص ۶۸

^۲. محمد بن حر عاملی. جهاد با نفس. ص ۷۱- نهج‌البلاغه خطبه ۱۶

تقوا: ۱-۳ تشخیص حق از باطل: فردِ متّقی چون راه تقوا و پاکی نفس طی می‌کند اسرارِ عالم را می‌بیند و راهِ مستقیم را به آسانی می‌پیماید. ۲-۳: قبولی اعمال نزد خداوند: فردِ متّقی سعادتِ بالا رفتن به سوی خدا دارد به خاطرِ دلِ خالی از گناهش حرفش که با عمل همراه است مورد قبول نزد خداوند هست ۳-۳: بهترین توشه برای آخرت: تقوا بهترین توشه و کلید تمام درهای سعادت برای انسان هست چون باعث رهایی از تمام اسارت‌های دنیایی می‌شود ۳-۴: نجات از سختی‌ها: فردِ متّقی توانِ تشخیص حق از باطل از طرف خداوند نصیب او می‌شود و به این وسیله خداوند راهِ گشایش در سختی‌ها را به او عطا می‌کند ۳-۵: آمرزش گناهان: طبق قولِ خداوند هر که تقوای الهی پیشه سازد گناهانِ او را بپوشاند و بیامرزد.

منابع

* قرآن ترجمه مکارم شیرازی

* نهج البلاغه ترجمه دشتی

۱. اسد علیزاده، اکبر، سیره علمی و عملی امیرالمؤمنین، قم، ناشر ذکری، نوبت چاپ ۱، سال ۱۳۹۵.
۲. اشتهاوردی، محمد مهدی، آیات قرآن در نهج البلاغه، قم، نشر دفتر انتشارات اسلامی، سال ۱۳۶۴.
۳. اصفهانی، راغب، حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن کریم، دمشق-بیروت، بی نا، سال ۱۳۷۴.
۴. بیستونی، محمد، مولف طبرسی، امین، تفسیر مجمع البیان، قم، نشر فراهانی، سال ۱۳۸۱.
۵. بیستونی، محمد، تفسیر جوان، برگرفته از تفسیر نمونه مکارم شیرازی، ۱۳۸۳.
۶. ثقفی تهرانی، میرزا محمد، روان جاوید در تفسیر قرآن مجید، قم، نشر برهان، چاپ دوم، سال ۱۳۶۰.
۷. جوادی آملی، تسنیم، تفسیر قرآن کریم، قم، نشر اسراء، سال ۱۳۸۵.
۸. شیخ حرّعاملی، محمد بن حسن، مترجم راشدی، لطیف، جهاد با نفس (وسائل الشیعه)، بی جا، انتشارات تهذیب، نوبت چاپ ۷، سال ۱۳۹۳.
۹. دل شاد تهرانی، مصطفی، مکتب مهر، تهران، انتشارات فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول ۱۳۷۹، چاپ دوم ۱۳۸۱.
۱۰. دل شاد تهرانی، مصطفی، منظر مهر، چاپ سنا، ۱۳۷۹، ۱۳۸۵.
۱۱. رضائزاد، عزالدین، رسانی، سعید، معارف اسلامی در نهج البلاغ، ناشر اند، ۱۴۰۰، قم.
۱۲. رسالتی، سعید، رضائزاد، عزالدین، قم، نشر رائد، نوبت چاپ ۱، سال ۱۴۰۰.
۱۳. زیرکی، مهدی، مقاله آثار برکات تقوا در قرآن، نشریه پاسدار اسلام، سال ۱۳۸۵، شماره ۲۹۳.
۱۴. شبر، سید عبدالله، مترجم جباران، محمد رضا، اخلاق، قم، انتشارات هجرت، سال ۱۳۷۴.
۱۵. شجاعی، سید مهدی، متقین گل های سرسبد افرینش، قم، نشر محراب قلم، نوبت چاپ ۷، سال ۱۳۸۲.

۱۶. طباطبایی، سید محمد حسین، ترجمه تفسیر المیزان، مترجم سید محمدباقر موسوی، تهران، نشر دار الفکر، سال ۱۳۸۶.
۱۷. عبدالمحمدی، حسین، ره توشه راهیان نور، ۱۳۹۰.
۱۸. علیقلی، محمد مهدی، سیمای نهج البلاغه، قم، نشر تاریخ و فرهنگ، نوبت چاپ ۱، سال ۱۳۷۹.
۱۹. فهیم نیا، محمد حسین، مبانی و مفاهیم اخلاق اسلامی در قرآن، قم، نشر دفتر تبلیغات اسلامی، سال ۱۳۸۹.
۲۰. مطهری، مرتضی، ده گفتار، تهران، انتشارات صدرا، بی تا.
۲۱. مطهری، مرتضی، آشنایی با قرآن، چاپ نهم، تهران: صدرا، ۱۳۱۴.
۲۲. معن، شیخ حسین، تربیت توحیدی و نقش آن در بی ریزی شخصیت اسلامی، بی جا، ناشر پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، چاپ اول، پاییز ۱۳۸۷.
۲۳. مکارم شیرازی، محمد، راه و رسم پرهیزکاران، قم، ناشر مرکز مدیریت حوزه های علمیه، سال ۱۳۹۳.
۲۴. مکارم شیرازی، محمد، تفسیر جوان، قم، نشر دار الکتب الاسلامیه، نوبت چاپ ۱، سال ۱۳۸۱.
۲۵. میردامادی، سید مجتبی، تفسیر کلمه طیبه، قم، ناشر گلبن، چاپ اول، سال ۱۳۸۵.
۲۶. دل شاد تهرانی، مصطفی، منظر مهر، تهران، نشر دریا، سال ۱۳۹۵.
۲۷. یزدی طباطبایی، سید محمد کاظم، العروه الوثقی، بی جا، موسسه نشر اسلامی، سال ۱۴۱۷.